



یا انحراف و استحاله، و یا عقب‌نشینی از شعارها و مواضع اصولی و ارزشی آنرا بدنبال خواهد داشت.

در جهان کنونی واقعیت دردناک دیگری نیز وجود دارد و آن اینکه غرب در دوسه سده اخیر اقدام به پایه‌ریزی شالوده فرهنگی خاصی در جوامع مختلف تحت سلطه نمود که اسارت درازمدت آنها را به غرب تضمین می‌نماید. غرب بستر و زمینه فرهنگی مورد نظر خودش را در جوامع تحت سلطه بوجود آورد و عبارتی استرانی یکنواختی به غرب تعقیب نمود و بستر مناسب شکل‌گیری الگوهای مختلف را ایجاد کرد. الگوهایی که عمدتاً جهانی شده‌اند و جوامع با آن خو گرفته‌اند. الگوهای حکومتی- الگوهای سیاسی- الگوهای انتخاباتی- الگوهای حزبی- الگوهای انقلاب اجتماعی- الگوهای مبارزاتی- الگوهای اقتصادی- الگوهای توسعه- الگوهای فرهنگی، اجتماعی، آموزشی- الگوهای حقوقی و قضائی- الگوهای اداری و اجرایی- الگوهای نظامی و دفاعی و انتظامی- الگوهای تجاری و پول و الگوهای دیگر.

بنابراین در جوامع مختلف بویژه جهان زیرسلطه، تهست‌ها و انقلاب اجتماعی و مردمی که ناگزیر از انتخاب اهرمهای مورد نظر خود می‌باشند متأسفانه در گزینش اهرمها از الگوهای پیش ساخته غرب که از بستر فرهنگ استعماری ایجاد شده قبلی می‌جوشد استفاده میکنند و طبعی است که نمی‌توانند مسیر استقلال خود را حفظ کنند و دیر یا زود درهم شکسته یا منحرف گردیده و یا ارزشهای خود را که با کمک آنها پیروز نیز شده‌اند فراموش میکنند.

بدین لحاظ انقلاب اجتماعی می‌تواند توفیق پیدا کند که اول دارای بار فرهنگی ویژه بوده و بتواند مبارزه فرهنگی و اصولی را با فرهنگ سلطه غرب و الگوهای برخاسته از آن آغاز کند تا با بر اساس ارزشهای فرهنگی خود اهرمها و بازوهای متناسب با خود را ایجاد و مورد استفاده قرار دهد.

انقلاب اسلامی هم بار فرهنگی ویژه و مستقل و قدرت مبارزه با فرهنگ سلطه غرب را دارد و هم امکان و زمینه ایجاد اهرمها و بازوهای متناسب خود برای تحقق اهداف ارزشی اسلام را دارا میباشد.

نظام اسلامی با اهداف الهی خود، جایگزین نظام اجتماعی منحطی گردید که اهداف پلید و شیطانی را تعقیب می‌نمود و مجری سیاستهای ظالمانه استکبار جهانی بود نظام شاهنشاهی و پوشالی گذشته، هم ریشه‌ای کهن داشت و هم بر اساس بستر فرهنگی مغرب‌زمین و الگوهای برگرفته از آن، اهرمها و بازوهای خود را شکل داده بود.



نپذیرد، بدیهی است که نه تنها نخواهد توانست بر مسائل و مشکلات جامعه‌ای که بر آن حکومت میکند فائق آید بلکه ارزشهای مورد نظر خود را نخواهد توانست محقق سازد و شاید مجبور گردد دیر یا زود اصول و ارزشهایی را که داشته است مورد غفلت قرار دهد و از آن عدول نماید. بنابراین هر انقلاب اجتماعی ناگزیر است اهرمهایی را که قبلاً ذکر شدند متناسب با خود شکل داده و بکار گیرد زیرا که تکیه انقلاب اجتماعی بر اهرمهای نظام اجتماعی پیشین، پیشاً دیر یا زود، سقوط

مقتضاً لازم است مفهوم انقلاب و انقلابی عمل کردن بیان گردد، چرا که ممکن است با رفتارهای تند و خشن که مبنای عقلانی و تفکر حکیمانه ندارد اشتباه شود. انقلاب بمعنوی لغوی آن یعنی دگرگونی و از حالی به حالی کردن و تغییر اساسی یک موضوع و یا پدیده و جایگزینی عقلانی موضوع و پدیده دیگر بجای آن می‌باشد. رفتار انقلابی نیز اقدامی خواهد بود که بر پایه تفکر و دوراندیشی و بصیرت در مسیر تغییر اساسی یک موضوع صورت پذیرد و اتخاذ عینی انقلابی عبارت است از اتخاذ روش و خط سیری که دگرگونی و از حالی به حالی کردن موضوعاتی را بر اساس دوراندیشی و بصیرت عمیق و تفکر عقلانی بدنبال داشته باشد.

جایگزینی نظام حکومت اسلامی بجای نظام منحط شاهنشاهی در جامعه ما فی الواقع یک انقلاب بود که ارکان یک حکومت استبدادی و دست‌نشانده استکبار جهانی فرو ریخت و یک نظام الهی بر جامعه اسلامی حاکم گردید.

هر حکومت و هر نظام حکومتی برای خود اهدافی دارد که بر نظام ارزشی و جهان‌بینی و ایدئولوژی آن استوار است. نظامهای حکومتی برای حصول بهدفعای مورد نظرشان اهرمها و بازوها و ابزارهای متناسب خود را بوجود می‌آورند و آنها را بگونه‌ای شکل مینهند که بتوانند در فرایند عملکرد خود، هدفهای نظام حکومتی را محقق سازند. این اهرمها ابعاد گوناگون دارند. سازمانهای اجتماعی، نهادها، روشها، رویه‌ها، قانونها، بینشها و نگرشها از همه مهمتر افراد و نیروهای انسانی دستگاههای حکومتی و دولتی، مدیران و نظریه پردازان، مشاوران و متفکران و...، جملگی اهرمها و بازوهای نظامهای حکومتی هستند و هر نظام حکومتی که بتواند این اهرمها را بوجود آورده و متناسب با هویت و شخصیت خود سازماندهی نموده و مورد بهره‌برداری قرار دهد خواهد توانست هدفهای خود را عملی نماید. نظامهای حکومتی بسته به ماهیت و فلسفه وجودی و ایدئولوژی مربوطه اهداف مختلفی دارند و مجموعاً میتوانند در طبقی قرار بگیرند که یک طرف طیف اهداف کاملاً الهی و در طرف دیگر آن اهداف کاملاً شیطانی قرار داشته باشد و حکومتها از حیث گزینش نوع هدفها در داخل طیف مزبور می‌توانند انواع مختلفی داشته باشند.

از این بحث کلی می‌گذریم و غرض از آن، بیان رابطه بین حکومتها و اهرمها و بازوهای متناسب و اکولوژیک آنها بود که هر حکومت و نظام اجتماعی که بر جامعه‌ای حاکم گردد برای بقای خود و برای تحقق اهداف ارزشی خود ناگزیر از ایجاد و سازماندهی و بکارگیری اهرمهای متناسب با خود میباشد و اگر این کار را انجام ندهد یا بعنوان اصول مسلم رفتارهای خود



بنابر این انقلاب اسلامی ناگزیر از اتخاذ مشی انقلابی در برخورد با زیرساختها و اهرمها و بازوهای متناسب با رژیم پوشالی گذشته بود که می‌بایست بغیریت کلیه اهرمهای رژیم سابق را مورد بررسی قرار داده و با دگرگون کردن آنها اهرمها و الگوهای متناسب با نظام اسلامی را بوجود آورد تا اهرمهای جدید و در شأن انقلاب اسلامی بتوانند ضمن برخورد با مسائل ریز و درشت جامعه که ریشه در رژیم سابق داشت، اهداف مقدس نظام اسلامی را محقق سازند.

ایجاد نهادهای انقلاب اسلامی و تقویت آنان از سوی حضرت امام خمینی مدظله العالی بعنوان رهبر انقلاب، در واقع شکل دادن به یکی از اهرمهای مهم نظام اسلامی بود که می‌بایست کلیه دستگاههای اجرایی کشور را فرا میگرفت ولی متأسفانه در کوران حوادث چند ساله اخیر نه تنها این امر محقق نگردید بلکه اصالت به قوانین و ساختارها و سازمانهای اجتماعی به ارث رسیده از گذشته که متناسب با اهداف حکومت پوشالی گذشته شکل گرفته بودند و حتی نیروی انسانی درون خود را نیز رنج داده و میدهند، داده شد و علاوه بر آن با کشیده شدن قلمرو عملکرد دستگاههای مزبور (مالی، بودجه‌ای، اداری و غیره) به نهادهای انقلاب اسلامی، از طراوت و پویائی نهادها کاسته شد و کار بجائی رسید که امروزه شاهد شکل گیری دیدگاههای خطرناکی هستیم که موجودیت نهادها و گسترش حوزه عملیاتی آنها را زیر سؤال می‌برند و این خطر بزرگی است که نباید به سادگی از کنار آن گذشت. حرکتی دیگری در جهت اهرم سازی، از قبیل وضع قوانین، رویه‌ها، تربیت نیروی انسانی و غیره، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی صورت پذیرفت که درخور اهمیت میباشد ولی از شباب آن ندریجاً کاسته شد، از طرفی دیگر بعضی از این اقدامات که بدون یک استراتژی مشخص و بصورت پراکنده و مجرد صورت پذیرفت باعث کاهش بازده مورد نظر گردید. نهایتاً کاسته شدن از اهمیت نقش اهرمهای انقلاب، وضعیت را بجائی رساند که امروزه شاهدیم که بعضی از دیدگاههای ساده لوحانه و احتمالاً مغرض اصالت را به اهرمهای نظام پیشین داده و اهرمهای انقلاب (نهادها، نیروها، قانونها، رویه‌ها و...) را زیر سؤال می‌برند.

اکنون ما به مرحله‌ای رسیده‌ایم که دهمین سالگرد انقلاب مقدس اسلامی را میخواهیم جشن بگیریم. انقلاب اسلامی رسالت سنگینی را بعهده دارد، رسالتی که انقلاب در داخل و خارج اصولی و ارزشمند هستند. ایفای رسالت انقلاب و تحقق اهداف نظام اسلامی یقیناً به تداوم مشی انقلابی اتخاذ شده در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی بستگی داشته و تجدیدنظر

اساسی در روشهای کنونی مجلس و دولت که یا منشاء احتیاطی و یا سطحی نگرانه و یا اعتقاد به حفظ وضع موجود را دارد طلب می‌نماید. آنها نیکه تصور میکنند با احیاء و دادن نقش اولیه به اهرمهای متناسب با رژیم پیشین میتوانند امور انقلاب اسلامی را تدبیر و پانجام برسانند ساده‌اندیشی میکنند.



انقلاب اسلامی وارث چه وضعیتی است؟

با تحلیلی گذرا از وضعیت موجود کشور از حیث مسائل مختلف و مبتلا به آن، به این نتیجه میرسیم که خلق کننده این وضعیت موجود کشور نه اهرمهای انقلاب اسلامی، بلکه اهرمها و الگوهای رژیم طاقتونی گذشته میباشد که هم در دوران حیات رژیم سابق، زیرساختها و ابعاد ظهور مسائل مبتلا به جامعه را پی افکندند و هم در دوران انقلاب اسلامی بطاعت غفلت از آنان و پیدا شدن میدان فعالیت برای آنها به مسائل دامن زدند، و متأسفانه گاه آن بگردن آنچه متعلق به انقلاب اسلامی است گذاشته میشود. البته شاید این گناه وارد باشد که با تشدید اختلافات و جناح بندیهای سیاسی بین نیروهای انقلاب اسلامی، مسئولین امر در دولت و مجلس عایت لازم را به امور جنگ و جامعه ننموده و در پرتو گذشت زمان، مسائل جامعه تشدید شد و روند فزاینده بخود گرفت تا جائیکه بعضیها در برخورد با مسائل کشور مواضع انفعالی بخود میگیرند.

طرح مسائل فرهنگی و اجتماعی و اداری و اقتصادی کشور و رابطه علت و معلولی آن با اهرمهای رژیم گذشته، در اینجا مقدور نبوده و خود موضوع بحث جداگانه‌ای است ولی واقعیت این است که مسائل مبتلا به کشور ابعاد وسیعی بخود گرفته و روند فزاینده‌ای دارند، شهرهای کشور از مسائل مختلف چون کمبود آب، رفاه، بهداشت و نیز آلودگی، ترافیک، بیکاری، افزایش جمعیت مهاجر، فاصله فقر و غنی و غیره رنج می‌برند و روستاهای کشور نیز روز بروز مسله دارتر میگردند. مشکلات اداری و بوروکراسی در دستگاههای اجرایی و قضائی کشور بشدت مردم را رنج میدهد و بعنوان یکی از بزرگترین موانع و تنگناهای توسعه کشور نیز ظاهر می‌نماید. اقتصاد وابسته و تک محصولی نفت همچنان بر کشور حکومت کرده و بودجه تزیینی، به یک پایه اقتصادی متزلزل در نظام اقتصاد جهانی متکی میباشد.

آلودگی محیط زیست فضای جغرافیائی ایران را مسموم کرده و منابع خدادادی تخریب میگردند. مشکلات اقتصادی حالتی گسترش یافته و رنج آور دارند. مشکل مسکن ابعاد وسیعی بخود گرفته است. نظام آموزشی دانشگاهی و پیش دانشگاهی جهتی مشخص پیش نگرفته است. اینها موارد متعدد دیگر مسائلی هستند که ریشه در دوران انقلاب داشته باشند بلکه میوه درختانی هستند که در رژیم سابق کاشته شده‌اند و اهرمهای رژیم سابق هستند که برای تولید چنین وضعیتی شکل گرفته بودند.

انقلاب اسلامی وارث این وضعیت است. استکبار جهانی نیز از همه سو تهاجم خود را بر علیه انقلاب از روز اول تا به امروز شروع کرده و تا زمانیکه قدرت داشته باشد ادامه خواهد داد. حال این سؤال مطرح است که آیا ادامه وضع موجود و اتخاذ مشی انفعالی و پناه بردن به اهرمها و الگوهای گذشته و ابزارهایی که خود بوجود آورنده این وضعیت میشوند راه و چاره باشد؟ یا باید با اتخاذ مشی انقلابی و جهشی، بر اساس یک طرح نظام یافته، اهرمها و الگوهای انقلاب اسلامی را متناسب با شأن آن از حیث نیروی انسانی، قانون و مقررات، روشها، رویه‌ها، نهادها و سازمانها، ساختارها و غیره ایجاد و تجهیز نمود و با کمک آن به جنگ مشکلات کشور رفته و آینده را ترسیم نمود؟ که مسلماً شق دوم مورد نظر میباشد و این امر نشانی است مگر با اتخاذ مشی انقلابی از سوی مجلس و دولت و همه مسئولین در قوای سه گانه.



چگونه از وضعیت موجود خارج شویم؟

اتخاذ مشی انقلابی بمعنوم دگرگون کردن ابزارها، اهرمها، الگوها بر اساس تفکر عقلانی و سیستمی و انتخاب الگوهای متناسب با ارزشها و اهداف نظام اسلامی بصورت جهشی، در اینجا الگوهای قانونگذاری، سیاسی و حزبی و انتخاباتی، حقوقی و قضائی اداری و اجرایی، برنامه ریزی توسعه، بودجه ریزی، مالی دولتی و بانکی، آموزشی، علمی، اقتصادی و اجتماعی و... مورد توجه خواهند بود. تحول در الگوها و انتخاب الگوهای انقلابی و سازماندهی کشور، دقیقاً نیاز به ابداع و ابتکار دارد و ابداع الگو به نیروهای خلاق و متفکر نیازمند است و بکارگیری الگوهای نشأت گرفته از انقلاب

بقیه از تاریخچه خاندان حضرت امام

و پیشاپیش جمعیت به عنوان اعتراضی در بازار راه افتاد ولی دولت وقت جلوی آقای خوانساری ایستاد و به ایشان اهانت شد و نتوانست فعالیت اعتراضی خود را ادامه دهد. و دولت نیز قانون خود را به مرحله اجرا گذارد (قانون نبود تصویب نامه وضع کردند).

منظور آبریکانها و بالتبع دولت وقت ایران از اصلاحات ارضی این بود که زمینهای بین کشاورزها تقسیم کنند تا آنها دیگر تمایلی به کمونیست ها پیدا نکنند و اوضاع کمونیستی در ایران از میان برود و چنین برداشت کرده بود که هرگاه همه کشاورزان صاحب زمین شدند، با دولت سازش خواهند کرد و کسی مخالفت نخواهد نمود.

دکتر امینی این عمل را انجام داد و از آن پس برای مسأله اتحجامن های ایالتی و ولایتی اقدام نمود، تا اینکه تمام مردان و زنان را وارد معرکه انتخاباتی بکنند و برای اینکه هم نسبت به اسلام، اعلام بی تفاوتی کنند و هم اصحاب دیگر ادیان را با خودشان وارد معرکه نمایند، حتی قسم به قرآن را مبتذل کرده بودند به «قسم به کتاب آسمانی!».

اینجا بود که علما قیام کردند و جداً اقدام نمودند، و حضرت امام نیز فعالیت زیاد و اقدامات چشمگیری در این زمینه داشتند.

ادامه دارد

تاریخ تولد آقابانو خانم ۱۸ جمادی الاولی ۱۲۷۲ هجری قمری میباشد که در شماره ۸۴ اشتباهاً ۱۲۷۶ چاپ شده بود.

بقیه از اتخاذ مشی انقلابی یا مشی انفعالی

رویه ها.

۵. داشتن روح شجاعت و نداشتن روحیه احتیاطی و تذلل بیدود.

۶. داشتن بینش عمیق و نگرش همه جانبه و میسنی به مسائل.

۷. داشتن تحرک و پویایی و سایر خصصتهای مورد نیاز.

کشور انقلابی ما باید در بینشها و نگرشها و روشها و باورها و رفتارها، بویژه در دولت و مجلس مشی انقلابی خود را حفظ کرده و برای نظام اسلامی، اهرمها و بازوهای متناسب را ایجاد نموده و الگوهای جدید را خلق نماید. در چنین حالتی خواهد بود که امکان فائق آمدن بر مصلحت فزاینده اجتماعی و اقتصادی و اداری و فرهنگی کشور فراهم آمده و انقلاب اسلامی خواهد توانست با عنایات الهی و با توجه به موقعیت جغرافیایی بسیار مناسب آن در جهان، و نیز زمینه های قدرت

اسلامی نیز نیازمند نیروها و مدیران شجاع و انقلابی و با بینش عمیق میباشد که مردان شجاع و مدیر و بصیری را می طلبد تا بتوانند با یک خیزش عمومی دوران انتقال را طی نمایند. انتقال از الگوهای گذشته به الگوهای مورد نظر انقلاب اسلامی، و این کار شدنی است. منتها اتخاذ مشی انقلابی و جهشی شرایطی دارد که عمدتاً عبارت است از:

۱. تحول بینشی و نگرشی و روشی در ارتباط با مسائل کشور.
۲. داشتن ادراک درست از موضوع، بویژه ضرورت ایجاد اهرمهای متناسب با انقلاب اسلامی و برچیدن اهرمها و الگوهای متناسب با اهداف و ارزشهای رژیم منحط پیشین از جامعه.
۳. داشتن بینش و نگرش انقلابی نسبت به موضوعات.
۴. داشتن خصلت و روح انقلابی در اتخاذ روشها و

خدادادی، رسانهای خود را ایفا نماید.

ذکر این نکته ضروری است که با رویه های مرسوم و روال قانونگذاری متداول در مجلس و روشهای اجرایی متداول در مجموعه دستگاه دولت، که در واقع مانع در درون الگوها و ساختارهای باقیمانده از گذشته میباشد امکان اتخاذ مشی انقلابی وجود نخواهد داشت و این امر تحول بینشی و نگرشی و روشی را طلب می نماید، و باید توجه داشت که برای مقابله با مسائل کنونی کشور که در صورت حفظ وضع موجود پهنای ابعاد خطرناکی پیدا خواهد نمود چاره ای جز برخورد انقلابی و معقولانه و جهشی وجود ندارد و این مسئولیت سنگین مجلس و دولت است که در آغاز دومین دهه پیروزی انقلاب مقدس اسلامی و دوران سازندگی و تجهیز کشور چگونه عمل کنند؟ اتخاذ مشی انقلابی با اتخاذ مشی انفعالی؟ که نتیجه اولی جهش در راستای حل مصلحتات کشور و طی طرق توسعه و ترقی در چارچوب اهداف ارزشی نظام اسلامی است و نتیجه دومی پس رفت و عقب ماندگی و نتایج خطرناک دیگر.

۴- قرآن (کتاب تشریع):

قرآن، کتاب تشریع که هماهنگ با کتاب تکوین است و راهنمای بهره جستن از عالم تکوین نیز هست، خود به عنوان منبعی عظیم ولایتی برای تفکر و شناخت و راهیابی به سوی کمال غائی انسان است.

«و انزلنا الیک الذکر لتبین للناس ما نزل الیهیم و لعلمهم بتفکرون».

(نحل/۴۴)

و این قرآن را به تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را به ایشان نازل شده بیان کنی، شاید اندیشه کنند.

«... کذلک یمین الله لکم الآیات لعلمکم بتفکرون».

(بقره آخر آیات ۲۱۹ و ۲۲۶)

بدینسان خداوند آیات را برای شما بیان می کند شاید بیندیشید.

«... کذلک تفصل الآیات لقوم بتفکرون».

(یونس/۲۴)

... بدینگونه آیات را شرح می دهیم برای کسانی که اندیشه می کنند.

بقیه از عوامل رشد عقل

اولی الالباب».

(یوسف ۱۰۹ و ۱۱۱)

چرا در زمین سیر نمی کنند تا بنگرند سرانجام آنانکه پیش از آنها بوده اند، چسان بود و سرای آخرت برای کسانی که تقوی پیشه ساخته اند بهتر است چرا عقل خویش را به کار نمی گیرند؟ ... در سرگذشت آنان برای خردمندان عبرتی است.

قرآن به سنی که منشأ شکل گیری تاریخ گذشتگان شده، توجه داده و انسانها را به سیر و مباحث در زمین و تأمل و اندیشه در آنها امر فرموده است:

«قد خلت من قبلکم سنن فیسروا فی الأرض فانظروا کیف کان عاقبة المکذبین».

(آل عمران/۱۳۷)

پیش از شما سنتهایی به وقوع پیوسته پس در زمین گردش و کاوش کنید و بنگرید سرانجام کسانی که حقایق وحی را تکذیب کردند چسان بود.